

## پاره ای از واژگان و عبارات بدون معادل گویش لکی هرسینی

دکتر صفیه مرادخانی<sup>۴۶</sup>

مریم پرتوی<sup>۴۷</sup>

چکیده :

هرسین یکی از شهرستان های استان کرمانشاه است که در ۴۵ کیلومتری کرمانشاه واقع شده است. گویش مردم این شهرستان لکی است. از نظر ریشه و تبار شناسی، این گویش، با زبان اوستایی و پهلوی مشترکات فراوانی دارد. بسیاری از واژه های اوستایی و پهلوی که به فارسی دری راه نیافته اند، بدون تغییر در این گویش به کار می روند مانند: واژه اوستایی **هیز /وژ/** به معنی "برداشتن" که در لکی نیز به این صورت تلفظ می شود. گویش لکی هرسینی با لکی نورآبادی، الشتری، کوهدشتی، کنگاوری و ... تفاوت هایی دارد. برای مثال فعل "بخور" را مردم هرسین به صورت **بُخه /boxa/** به کار می برند ولی گویشوران شهرستان های مجاور این واژه را به صورت **بَر /bar/** به کار می برند.

در این مقاله که داده های آن به صورت میدانی گردآوری شده است؛ تعدادی از واژه ها، نام آوا و کنایه های که در گویش لکی کاربرد دارند ولی معادل فارسی ندارند و برای تفهیم آن ها به فارسی زبانان نیاز به توضیح و تفسیر فراوان است؛ بیان می شود. برای مثال **برگ /berz/** "چوبی است که به سمت هدفی پرتاب می شود" یا **شریق پوق / فَنَغ فسقذڤڤ/** نام آوایی است برای "صدای رعد و برق" به کار می رود. یا عبارت **خِش بریه**

<sup>۴۶</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان

<sup>۴۷</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه

/ xeš beriya/ در جمله ی داره خش بریه / dara xeš beriya/ کنایه "از میوه دادن بسیار زیاد درخت" است.

نتیجه اینکه در گویش غنی لکی هرسینی واژه های زیادی وجود دارد که معادل فارسی ندارند و برای برگرداندن آن ها به فارسی باید از یک جمله یا عبارت استفاده کنیم و وظیفه ما گویشوران حفظ این ذخایر غنی، ریشه دار و در حال انقراض است.

واژه های کلیدی : گویش، لکی، هرسین، واژه ، نام آوا، کنایه



جهانی شدن زبان انگلیسی سبب شده است که هر ماه به طور متوسط دو زبان محلی از بین برود .

گوش لکی یکی از گویش‌های محلی است که قدمتی به اندازه بشریت دارد و مردم شهرستان هرسین به آن صحبت می‌کنند .

مقاله حاضر نگاهی کوتاه به برخی واژه‌ها و نام آواها و اصطلاحات لکی دارد .

#### مقدمه

ژرف‌ترین و بلندترین دره پرآب غرب کشور را رودخانه بزرگ سیمره تشکیل می‌دهد . « این رودخانه در مسیر خود دلتای وسیعی را تشکیل می‌دهد که از قرن‌ها پیش محل سکونت ایرانیان باستان بوده است. دره سیمره‌ی امروزی که قسمت‌هایی از خاک استان‌های همدان، کرمانشاه ، ایلام و لرستان را شامل می‌شود در گذشته به « دره مهرگان کده » اشتهار داشته و اولین تمدن در آن هم زمان با چهار تمدن بزرگ جهان که در اطراف رودخانه‌ها به وجود آمده‌اند شکل گرفته است. ناحیه‌ی سیمره امروزی دارای قدمت هزاران ساله است و قومی اصیل و ایرانی تبار به نام ( لک ) که از اولین ساکنین و بومیان ایران زمین به شمار می‌روند ، در آن زندگی می‌کنند » ( رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۷ ) پس قوم لک قومی ایران تبار هستند و از قرن‌های بسیار دور در دره مهرگان زندگی کرده‌اند. آثار باستانی فراوانی در این منطقه وجود دارد که نشان از قدمت و دیرینگی آن است.

«قدیمی‌ترین و کهن‌ترین آثار باستانی انسان‌های نخستین و غارنشین در اطراف منطقه ( هلیلان ) ، بیستون ،

خرم‌آباد ، کنگاور و هرسین پیدا شده است » ( همان: ۱۱ ) «در حقیقت باید خاستگاه هنر برنز ایلام را در لرستان

، شاید در نهاوند و هرسین امروزی جست» ( رجبی، ۱۳۸۷: ۷۴ ) این موارد و موارد مشابه آن نشان می‌دهد که

قوم لک از قرن‌های پیش در این منطقه ساکن بوده و دارای تمدنی کهن هستند.

از آن جا که انسان ها موجوداتی هستند که به صورت اجتماعی زندگی می کنند؛ در زندگی اجتماعی برقراری ارتباط بایسته ترین نیاز انسان است. انسان ها به وسیله زبان با هم ارتباط برقرار می کنند و زبان مهمترین مشخصه ی انسان از دیگر موجودات است. زبان شاخصه هویت یک ملت به حساب می آید؛ اما در قرن حاضر بنا به دلایل مختلف، بسیاری از زبان ها در حال انقراضند؛ به صورتی که به طور متوسط هر دم هفته یک زبان منقرض می گردد. (کریستال، ۱۳۸۵: ۷۲) گویش لکی یکی از گویش های محلی است که مردم شهرستان هرسین با آن تکلم می کنند. در دهه ها گذشته توسعه ی صدا و سیما و ماهواره بر این زبان کهن تأثیر سوء داشته و بسیاری از واژه های ناب و اصیل این گویش فراموش شده است. گویش لکی گویشی ریشه دار و غنی و سرشار از واژه ها و اصطلاحات کهن است. در گویش لکی بسیاری از اصطلاحات و واژه های موجود در زبان پهلوی به همان شکل اولیه رایج است. مانند «گیان /gyan/ (=جان)» پهلوی که این واژه به همین صورت هنوز در لکی به کار می رود یا خشک در پهلوی به صورت «هوشکیه /hukih/ (=خشک)» بوده که گویشوران لک زبان هنوز خشک را به صورت کهن آن یعنی هوشک به کار می برند. (کزازی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). البته گویش لکی هرسینی با مناطق دیگری که به لکی صحبت می کنند تفاوت هایی دارد.

در این تحقیق، به امید کوششی ناچیز در مورد احیا، تحلیل و حفظ گویش لکی هرسینی پاره ای از واژگان، نام آوا و کنایه هایی که احساس می شود در فارسی معیار معادل ندارند و برای تفهیم آن ها به غیر گویشوران هرکدام نیازمند توضیحی به میزان یک عبارت یا جمله دارند به روش میدانی جمع آوری و آوانگاری شده اند.

جدول شماره (۱): بخش واژگان

واژگان لکی	آوانگاری	معادل فارسی
بالنه	/bālena/	پرنده بلند پرواز مثل عقاب
بَرَف خورکه	/barf xwoarka/	برف‌ریزی که بعد از برف می‌بارد و در عقیده عوام این برف برف‌های قبلی را از بین می‌برد
برگه	/berga/	چوبی کوتاه که به سمت هدفی پرتاب می‌کنند مثلاً برای پایین انداختن گردو از درخت
بریآن	/beryan/	وسط پیشانی
پاشه پدر	/paša pedar/	کودکی که بعد از پدر به دنیا بیاید
پَشَنَزا	/pešazā/	فرزند شوهر
تُرُوسکه	/toruska/	جرقه نوری در تاریکی
توزیلکه	/torzilka/	تگرگ دانه ریز
توشک	/tušk	بز ماده
توف	/tuf/	باران همراه باد
جَلْد	/jald/	چوبی بلند برای پایین انداختن گردو از درخت
جُریاین	/joryāyn/	سرازیر شدن مایع
چک	/ček/	باقی مانده چوب خشکیده بر درخت
چِل	/čel/	باقی مانده شاخه خشک درخت
چلوسک	/čolesk/	چوب یک طرف سوخته

چویننه	/čuyazna/	قطرات آب که در روزهای سرد زمستان به صورت برفک بر روی شاخه درختان و لب بام شکل می بندد
داویچه	/dāwiča/	لرزش بدن به خاطر سرمای زیاد
دل	/dal/	سگ ماده
راجه	/rāja/	چوب بلند
ساورین	/sāveryn/	بز چند ساله
سَرَتَاتکی	/saratātki/	دزدکی نگاه کردن
سوروت	/surut/	ساقه گندم
سَلَّ جا کِرْدِن	/sola ja kerden/	چیزی را نجویده بلعیدن
قَلْبَنجه داین	/qalpanja dāyn/	گره کردن انگشتان دو دست در یکدیگر
کان	/kān/	دیواره‌ی خاکی رود
گِرا	/gerā/	سلول‌های اولیه تخم در بدن ماهی و ماکیان
مَل	/mal/	پرنده آوازخوان
منگا	/mengā/	گاو ماده
وای مِرای	/vāya merāy/	عنوانی محبت‌آمیز برای فرزندان

جدول شماره (۲): بخش نام آواها

معادل فارسی	آوانگاری	نام آواهای لکی
صدای موتورسیکلت و ماشین	/burra burr/	بوره بور
سر و صدای روده‌ها	/puqa puq/	پوق پوق
صدای خشن دو جسم سخت	/puqa/	پوقه
صدای افتادن چیزی در آب	/telpa/	تله
صدای باز و بسته شدن در	/jira jir/	جیر جیر
صدای باز و بسته شدن در	/jirra/	جیره
صدای کوبیدن دو سنگ یا دو جسم فلزی به هم	/čaqa puq/	چق و پوق
صدای کوبیدن دو سنگ یا دو جسم فلزی به هم	/čaqa/	چقه
صدایی که از بریدن هندوانه ایجاد می‌شود	/xeza/	خزه
صدای ناخوشایند گلو هنگام سرماخوردگی	/xeza xez/	خزه خز
غرولند و لند کردن	/xweta xwet/	خوته خوت
نفس کشیدن سخت و تند حیوانات هنگام گرما	/defnāk/	دفاک
نوعی وزوز بلند در گوش	/zernga/	زرنغه
صدای فریاد زیر	/zika/	زیکه
گزگز و مور مور شدن	/žava žāv/	ژاو ژاو
صدای الاغ	/sara sar/	سره سر

سوزه سوز	/suza suz/	صدای وزش باد سرد
شُرِه	/šora/	صدای باران و ریختن آب
شِلِپِه	/šelpa/	صدای افتادن چیزی در آب
شَقَه	/šaqā/	صدای برخورد یک جسم با جسم دیگر مثل شلاق به تن ، سیلی به صورت
فیکه فیک	/fika fik/	صدای سوت
قُرْت قُرْت	/qorta qort/	صدای مرغ
قوته قوت	/quta qot/	صدای صرفه
قوره قور	/qura qure/	صدای روده در اثر گرسنگی
قوره	/qura/	صدای گاو
قوله	/qula/	صدای خروس
قیرَ قیر	qira qir	صدای بلند و گرفته
قال و قو	/qalo qu/	صدای جیغ و فریاد
قیره	/qira/	صدای بلند و گرفته
قِرْچِه	/qerča/	صدای زیر مثل شکستن شاخه درخت
کِفَه	/kefa/	صدایی که از قرار دادن آهن گداخته در آب ایجاد می شود
گُرمِه	/gorma/	صدای مبهم و درهم و غیرواضح مثل صدای خرس



گرم گرم	/gorma gorm/	صدای مبهم و درهم و غیرواضح مثل صدای خرس
گاله	/gāla/	صدای کبک
گاله گال	/gāla gāl/	صدای کبک
گژه	/geža/	صدای باد
لره لر	/lara lar/	حالت تکان عضو یا شیئی آویزان
نوزه	/nuza/	صدایی از روی ضعف و ناتوانی
وله ول	/vala val/	صدای سگ
هیکه هیک	/hika hik/	صدای خنده
هوشه	/hoša/	صدای خزیدن خزندگان

جدول شماره (۳): بخش کنایه ها

کنایه های لکی	آوانگاری	معادل فارسی
بی یسه داره	/bi ya sa – dāre/	کنایه از شخص بسیار بلند
پشت مل تخت	/pešt mel taxt/	کنایه از برابر بودن
پته ناسه بان سره	/pete nace ban sare/	کنایه از اخم کردن
تپ و توز کردن	/tapo tuz-kerden/	کنایه از شلوغ کردن جار و جنجال به پا

نمودن		
کنایه از شخصی که موهایش پف کرده و سرش مثل سبد شده باشد	/teyja sar/	تیجه سر
کنایه از شخصی که سرش دراز باشد	/tavar sar/	تَوَر سَر
کنایه از کم حوصله بودن	/jegul dān nāšten/	جَقیل دان ناشتن
کنایه از لاغر شدن	/čame kateyasa bān sare/	چَمه کَتیسه بان سَره
کنایه از مکان بسیار تاریک و پر گرد و خاک	/čam čam nemone/	چَم چَم نمونه
کنایه از آهسته و محرمانه کاری را انجام دادن	/xoza xoz kerden/	خُزَه خُز کِرْدِن
کنایه از میوه دادن بسیار زیاد درخت	/xeš beriya/	خِش بِریه
کنایه از کتک زدن بسیار	/xeše beri/	خِشه بری
کنایه از هوایی شدن	/dom bal garden/	دُم بَل گِرْدِن
کنایه از توانایی گذشته را ندارم	/di namanma/	دی نَمَمَه
کنایه از شخصی که سرش دراز باشد	/do sar/	دو سر
کنایه از معادل دست دست کردن	/sanga sang kerden/	سَنگ سَنگ کِرْدِن
کنایه از بسیار شور	/qey qeya mure/	قی قیه موره
از کسی به نفع خود بهره‌برداری کردن	/kateyasa kave/	کَتیسه کاوه

گوشه مِشت بین	/guša mešt bin/	کنایه از مطیع بودن
گوش تکاین	/guš takanen/	کنایه از به دقت گوش دادن
مانه ذرْبه زنگ	/mana zarbe zang/	کنایه از آدم بسیار زرنگ
وَ پِرک بردن	/va perek berden/	کنایه از ترساندن
وَ اسب پادشا موشه یا بو	/va asb pādešā muše yābo/	کنایه از مغرور بودن ، خودبزرگ بینی
هَمْ گُل کِرْدِیه	/ham gol kerdeya/	کنایه از کسی که موقعیت را به نفع خود بیند و در جایی که جایز نیست شروع به حرف زدن کند یا کودکی که به شیطنت بپردازد
هوشکیا برْدیه	/hoškeyā berdeya/	کنایه از شخص بسیار لاغر

## نتیجه

گوش لکی هرسینی واژه های مشترک زیادی با زبان پهلوی دارد که در طول تاریخ کوچکترین تفاوتی با واژگان اصیل پهلوی در آن ها ایجاد نشده است. شاید بدان دلیل که گوش ها کمتر مورد هجوم سیاست، حوادث و دگرگونی های زبانی بوده اند. در این گوش واژگان زیادی هستند که معادل فارسی ندارند و همین امر نشان غنای فراوان این گوش است؛ به صورتی که برای برگرداندن آن به فارسی به عبارت یا جمله نیازمندیم. همچنین نام آواهای این گوش گاهی به صورت تک واژه و گاهی دو واژه ای بدون میانوند و گاهی دو واژه ای با میانوند

به کار می روند. پاره ای از کنایات هم، معادل واژگانی یا مفهومی در زبان فارسی ندارند و منحصرأ به این گویش می باشند که در نوع خود بی نظیر است. این نتیجه گیری صرفأ بر اساس کلمات و عبارات تحقیق بنا شده است.

#### منابع و مأخذ

- ۱- رجیبی، پرویز؛ هزاره‌های گمشده؛ تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۷.
- ۲- رحیمی، کیومرث؛ هرسین در گستره‌ی تاریخ؛ کوثرتهران: مؤسسه فرهنگی هنری، ۱۳۷۹.
- ۳- رحیمی عثمانوندی، رستم‌خان؛ بومیان دره مهرگان؛ کرمانشاه: انتشارات ماهیدشت: ۱۳۷۹ .
- ۳- کزازی، میرجلال‌الدین؛ نامه باستان؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.